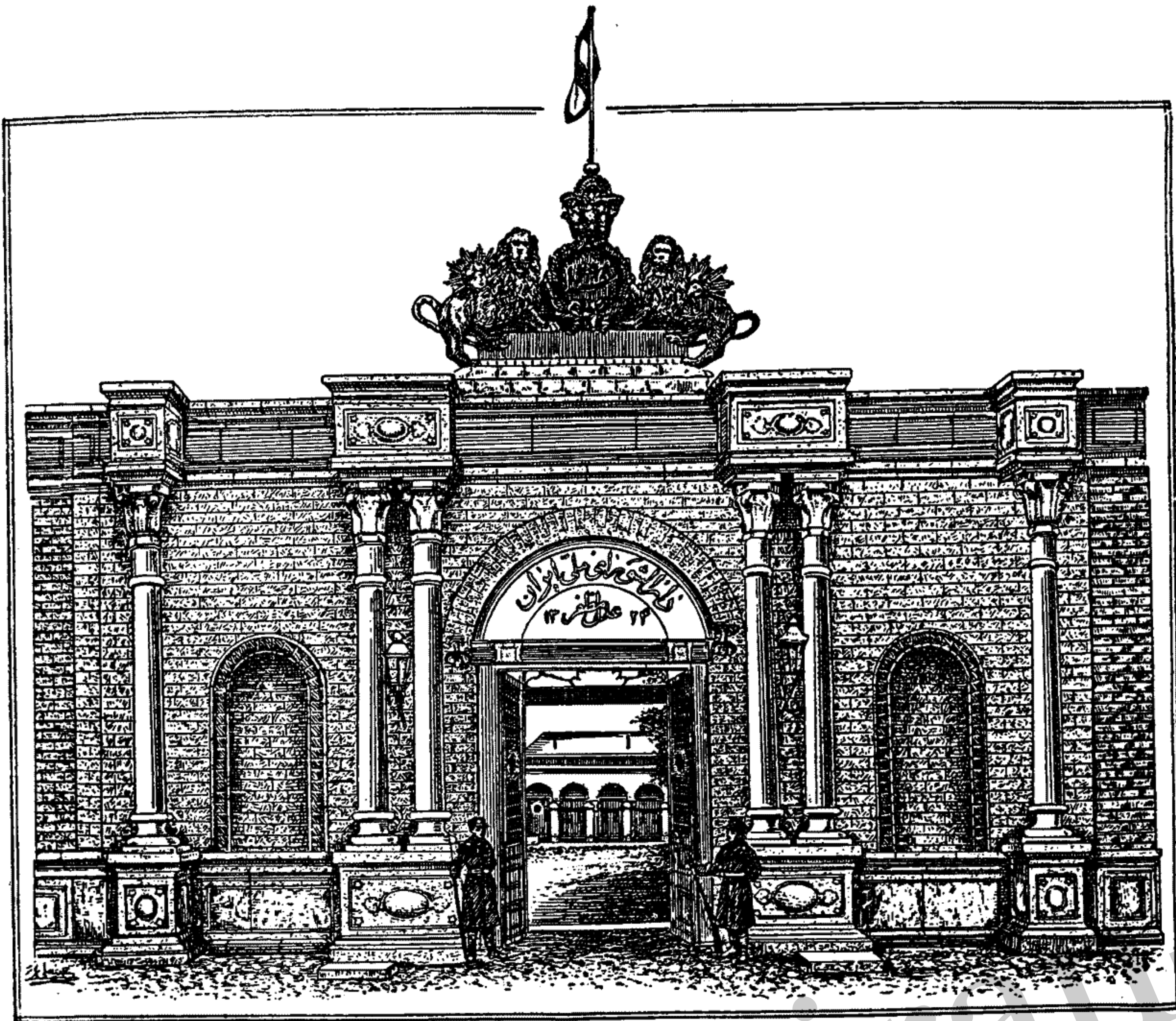


دوره ششم تقنینیه

<p>جلسه ۲۱۶</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۱۸۱</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه ليله سه شنبه ۸ اسفند ماه ۱۳۰۶ مطابق ۶ رمضان المبارک ۱۳۴۶</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ایران سالیانه ده تومان خارجه « دوازده تومان قیمه تک شماره یک قران</p>

فهرست مندرجات



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس ليله سه شنبه ۸ اسفندماه ۱۳۰۶ مطابق ۶ رمضان المبارک ۱۳۴۶

جلسه ۲۱۶

(مجلس دو ساعت و نیم از شب گذشته بریاست آقای
پیرنیا تشکیل گردید)
(صورت مجلس ليله یکشنبه ششم اسفند را آقای
بنی سلیمان قرائت نمودند)

عائین با اجازه جلسه قبل
آقایان: محمود رضا - بحبی خان زنکنه
غائبین بی اجازه جلسه قبل
آقایان: اسدی - اعظمی - نظام مافی - بنی سلیمان

ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	قرائت مراسله جمعی از آقایان نمایندگان دوره اول مجلس راجع بتقاضای پرداخت حقوق معوقه خود	۲۷۵۴	۲۷۵۵
۲	تصویب يك فوریت لایحه قانون حکمیت	۲۷۵۵	۲۷۵۶
۳	طرح لایحه دولت راجع به ده هزار تومان اعتبار برای مخارج طبع و حق الزحمه ترجمه قوانین و تهیه لایحه قانون مدنی و تصویب آن	۲۷۵۶	۲۷۶۰
۴	تعقیب مذاکرات و شور ثانی نسبت بنجر کدسیون قوانین مالیه راجع به خالصجات انتقالی	۲۷۶۲	۲۷۷۶
۵	قانون اجازه مصرف ده هزار تومان برای مخارج طبع و حق الزحمه ترجمه قوانین و تهیه و طبع لایحه قانون مدنی	۲۷۷۷	

حاج غلامحسین ملک - اعتبار - میرزا بدالله خان - دهستانی - قوام شیرازی - مهدوی - بهار - میرزا حسنخان وثوق

دیر آمده با اجازه جلسه قبل

آقای دشتی

دیر آمدگان بی اجازه جلسه قبل

آقایان: سهرابخان - حاج میرزا حبیبالله امین - نوبخت فرمند - حاج شیخ بیات - عصر انقلاب - ثقة الاسلامی میرزا اسدالله خان غامری

رئیس - آقای بهار

بهار - بنده را غائب بی اجازه نوشته اند خواستم عرض کنم که چند جلسه است غایب هستم علت هم کسالت مزاج بوده است و به مقام ریاست هم عرض شده است

رئیس - بکمیسون تذکر داده میشود. صورت مجلس ایرادی ندارد.

(گفتند خیر)

رئیس - يك رقعه از طرف آقایان وکلاء دوره اول بمجلس عرض شده است کمیسیون عریض رای داده است که در مجلس قرائت شود

(بشرح ذیل قرائت شد)

مقام منبع رفیع ریاست محترم مجلس مقدس شورای ملی شید الله ارکانه

چون تقریباً سه سال میباشد که جناب مستطاب آقای مدیرالاسلام وکیل اینجانبان برای اخذ حقوق حقه نمایندگی دوره اول با زحماتی متحمل شده تا در اداره مباشرت مجلس بر حسب تصویب هیئت رئیسه و امر ریاست مجلس برای تشخیص حقوق کمیسیون تشکیل گردید تا آنکه اسنادی که لازم است بدست آورده معین نمایند بعد از زحمات زیاد مطابق رای کمیسیون که مرکب از وکلای دوره اول وینچم بود مقرر شد سؤالاتی از وکلای

زودتر به این امر خاتمه داده جمعی را متشکر و آسوده فرموده تا رفع نگرانی شده و بیش از این اسباب مزاحمت فراهم نشود

رئیس - آقای آفاسید یعقوب: راجع بدستور مطلبی داشتید؟

آفاسید یعقوب - بنده خواستم عرض کنم که از فارس بما راجع به يك مسئله فوق العاده مراجعه میکنند که مسئله راه شیراز به بوشهر و راه شیراز به اصفهان است که از آنجا به ما نوشته اند نمایندۀ اصفهان هم اقدام دارد در روزنامه ها هم نوشته میشود که پول زیاد آمده است از راه و توانسته اند بمصارف دیگری برسانند عرض میکنم که جنوب هم جزو ایران است راه شیراز را اگر حقیقه دست بهش نمزدند بهتر بود چند دفعه همه مان سؤال کرده ایم مخصوصاً از مقام ریاست تقاضا میکنیم که تذکری بدهند برای جواب این موضوع حاضر شوند.

رئیس - فرمودید راجع به دستور است

آفاسید یعقوب - دستور مهمتر از این نمیشود

وزیر عدلیه - دو لایحه است که تقدیم میکنم یکی راجع است به حکمیت این لایحه چندین جلسه در کمیسیون قبل از اینکه اصلاً تقدیم مجلس شود درش بحث شده و دقت شده است و چون يك مشورت فوق العاده زیادی درش شده است و از طرف دیگر وقت کمیسیون عدلیه هم طوری است که عنقریب تمام خواهد شد (چهاردهم فروردین) این است که بنده تقاضا کردم يك شوری باشد یعنی برود بکمیسیون و بیاید در مجلس

یکی دیگر يك لایحه ایست که ده هزار تومان از برای ترجمه و طبع قوانین که داریم آن را هم تقاضا میکنم آقایان موافقت بفرمایند که امشب تمام شود

رئیس - مقدم قرائت میشود بعد در فوریتش رأی

می گیریم.

(بشرح ذیل قرائت شد)

ساحت مقدس مجلس شورای ملی قابل انکار نیست که عیب اساسی تشکیلات قضائی امروز عالم بطوء جریان است قطع و فصل سریع دعاوی را از آماده ترین دستگاه قضائی دنیای حاضر توقع نمیتوان داشت کندی لازمه تعدد چرخ های قضاوت سبک جدید است و شاهد این مدعا آنکه محاکمات کهن سال بیش و کمی همه جائی است طریق سهل و ساده که بشر تا کنون برای فرار از بیج و خهای قضاوت پیدا کرده طریق حکمیت است و بس تجربه کسانی که برای رفع اختلافات خود باین وسیله ملتجی شده اند بر صحت کامل این عقیده شهادت میدهد نظر به این مقدمه کوتاه - با آنکه بسهولت دلایل بسیار دیگر اقامه میتوان کرد مواد ذیل را با قید يك فوریت تقدیم داشته و تصویب آن را تقاضا مینماید

ماده اول - هر گاه یکی از متداعین محکمه صالح و بدایت یا تجارت از محکمه تقاضا کنند قطع دعوی بطریق حکمیت انجام گیرد محکمه طرف دیگر دعوی را بموافقت با این تقاضا تکلیف خواهد کرد.

در صورت موافقت مطابق مواد ۷۵۷ تا ۷۷۹ اصول محاکمات حقوقی در صورت عدم توافق مطابق مواد ذیل رفتار خواهد شد مشروط بر اینکه تقاضای حکمیت تا جلسه اول محاکمه بعمل آمده و دعوی در آن محکمه بدایتاً طرح شده باشد

رئیس - مواد قرائت شود؟

(بعضی گفتند خیر)

بیست و سه ماده است. علاوه بر این قرائت مواد در فوریت مؤثر نیست

جمعی از نمایندگان - صحیح است

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - موافقم

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - موافقم

رئیس - آقای رفیع

رفیع - موافقم

رئیس - مخالفی ندارد؟

(گفتند خیر)

رئیس - رأی میگیریم به فوریت یعنی يك شور

آقایانیکه موافقت قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد لایحه دیگر راجع بکمیسیون

بودجه است. لوایحی که راجع بکمیسیون بودجه است

يك شور بیشتر ندارد

وزیر عدلیه - بلی يك فوریت تقاضا کرده ام که

در مجلس مطرح شود

(ماده واحده بشرح ذیل قرائت شد)

ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است مبلغ ده هزار

تومان از محل عایدات موجوده تعهد نشده سنه ۱۳۰۶

برای مخارج طبع و حق الزحمه ترجمه قوانین لازمه و حق الزحمه

تهیه و طبع لایحه قانون مدنی مطابق تشخیص و در خواست

وزیر عدلیه مصرف نماید؟

رئیس - آقای دادگر

دادگر - بنده موافقم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب مخالفید؟

آقا سید یعقوب - بله اینجا مقام ریاست هم اشاره

فرمودند که لایحه بودجه يك شوری است بنده خواستم

از آقای وزیر عدلیه تقاضا کنم که این لایحه را اجازه

بدهند برود در کمیسیون بودجه و در آنجا مطرح شود

که يك شرح مفصلی در این باب داده شود درست است

اینجا بر سبیل اجمال است بنده میخواستم اساساً تقاضا

کنم از آقای وزیر عدلیه که لوایح مالی را داخل در

فوریت نکنند. حالا اگر يك لایحه راجع بمخارج عده

از ایرانها که از بصره مهاجرت کرده باشند و بایران

آمده باشند بنده کاملاً موافقم که فوری باشد و در این

خصوص هم موافقم لیکن تقاضا میکنم که موافقت نفرمایند

این لایحه بیاید در کمیسیون بودجه و مطرح شود و لزوم

و فوایدش گفته شود که مخبر کمیسیون در مجلس علی

بصیره بیان کرده باشند به این جهت اساساً نظر بنده

در لوایح مالی این است باز هم حکومت با اکثریت

مجلس است

رئیس - آقای دادگر

دادگر - البته آقای آقا سید یعقوب التفات میفرمایند

که وقتی يك قوانینی وضع میشود باید منتشر بشود و در

دسترس عامه گذاشته شود بعلاوه باید بالنسبه مختلفه هم

نوشته شود برای خاطر اینکه کمال قانون يك مملکتی را همه

مطلع شوند این قضیه هم واضح است و قابل هیچگونه

تحقیق نیست خود لایحه متضمن دلائلش است آقا هم

موافق بودند و مخالفتی نداشتند منتها مقصودشان این بود

که بیش از این توضیح شود ولی این قضیه اقتضای توضیح

بیش از این را ندارد و گمان نمیکنم اشکالی داشته

باشد.

رئیس - آقایان شریعت زاده و شیروانی و یاسائی

موافقتند؟

(گفتند بلی)

رئیس - آقای حاج آقا رضا رفیع موافقت

رفیع - بلی

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

حاج میرزا مرتضی - بنده مخالفم

رئیس - بفرمائید

حاج میرزا مرتضی - راجع بطبع و نشر قوانین

البته هیچکس منکر نیست و همه معتقدیم که باید

قوانینی که وضع میشود طبع و منتشر شود البته مخارجی

که دارد باید داده شود منتها بطریق قانونی بایستی این

لایحه که می آید به مجلس بکمیسیون بودجه

برود و آقایان اعضاء محترم کمیسیون در اطرافش مطالعه

کنند مذاکره کنند بعد بیاید در مجلس و تصویب شود

بعلاوه این يك کار فوری فونی نیست که اگر چنانچه

ما امشب این را رأی ندهیم فوت شود و البته کسی

مخالف با این قانون نیست ولی البته بایستی جریان قانونی

خودش را طی کند لهذا بنده عقیده ام این است

آقایان موافقت بفرمایند که این لایحه برود بکمیسیون

بودجه بعد از مطالعه برگردد بمجلس از این جهت

بنده مخالفم

رئیس - رأی گرفته میشود به فوریت آقایان موافقت

قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد اصل مطلب مطرح است.

آقای شریعت زاده

شریعت زاده - بنده موافقم

رئیس - آقای عراقی

عراقی - بنده موافقم

رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - بنده موافقم

رئیس - آقای دادگر

دادگر - موافقم

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - بنده موافقم لیکن خواستم سؤال کنم

که این قوانین در کجا طبع میشود بنده نمیدانم دلیلش

چیست؟ که با بودن مطبعه مجلس.....

(همهمه نمایندگان - صدای زنك رئیس)

کازرونی - عجب مرافعه ایست آقا بنده سؤال میکنم

که جواب بدهند بنده انتظاراتم این است که این قوانین

در ایران و در مطبعه مجلس که بهترین مطابع است طبع

بفرمایند

شود اگر چنانچه اینطور باشد بنده مخالفتی ندارم

وزیر عدلیه - البته در يك جائی طبع خواهد شد

بنده نمیتوانم به آقا عرض کنم که در مطبه مجلس خواهد

بود البته در جائی طبع خواهد شد که از حیث قیمت

مناسب و از حیث چاپ هم خوب باشد

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده خیلی متأسفم از اینکه آقای

وزیر عدلیه هر لایحه که بمجلس میآورند تقاضای فوریت

میکند و هیچ اجازه نمیدهند که این لوایح بکمیسیون

بودجه برود و در اینجا مطالعه شود بنده که يك نفر

وکیل هستم هیچ اطلاع ندارم که این وجه چیست

و بچه مصرف برسد در مسئله فوریتش که بنده مخالف بودم

و نوبت به بنده نرسید و گذشت و حالا هم با اصل لایحه

که ده هزار تومان اعتبار داده شود بنده با این مبلغ

مخالفم بجهت اینکه بنده اطلاع ندارم

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - آقای فیروز آبادی نماینده محترم مخالفتی

که کردند مستند مخالفتشان فقط مسئله بی اطلاعی بود

بنا بر این بنده خواستم به آقا اطلاع بدهم البته آقا

در نظر دارند هر مملکتی که علی رغم جریانات سابقه

میخواهد يك طرز جدیدی بخودش بگیرد و آن ترتیبات

و امتیازاتی که به اراده مجلس شورای ملی لغو شد باید

دانست که برای تکمیل این اراده چه کارها لازم است

از آن جمله تکمیل قوانین است و تهیه قانون مدنی

است که يك کمیسویی از علماء درجه اول مشغول

تهیه اش هستند که این لوایح را بدنیا ارايه بدهند و

به این نظر تا دو ماه دیگر بطور قطع باید اجرا شود

مجلس هم که رای داد به فوریتش به همین جهت است

بنا بر این این يك طرحی است که يك مصلحت های

بزرگی را در مملکت تأمین میکند و امیدوارم که نماینده

محترم هم اهمیت این موضوع را توجه بفرمایند و موافقت

بفرمایند

رئیس - آقای مدرس

مدرس - بنده میخواستم سؤال کنم اینکه فرمودند يك چیز هائی طبع بشود. چطور طبع شود؟ خودشان بروند تصنیف کنند و طبع بکنند؟ مخالفم. اگر میگویند طبع شود. یعنی بعد از اینکه مقامات خودش را سیر کرد طبع شود کاملاً موافقم. لذا می خواهم سؤال کنم که نظرشان چیست؟ و بنده مخالفم از اینکه يك چیز هائی خودشان بروند تصنیف کنند و طبع بکنند چرا برای اینکه تصنیفاتی کردند و آوردند در کمیسیون که این تصنیفات را اگر من قدرت میداشتم پولی که خرج طبعش کرده بودند ازشان میگرفتم لذا اگر تصنیف جدیدی هم بخواهند بکنند میاورند در کمیسیون یا در مجلس هر جا که مقتضی قانون است بعد از اینکه سیر قانونیش را کرد البته باید چاپ کرد و منتشر کرد و غیر از این باشد مخالفم زیرا دیدیم بعضی تصنیفاتشانرا که هر چه خرج شده است بمورد نبوده است

وزیر عدلیه - عرض میکنم که يك قسمت از این چیز هائی که باید طبع شود قوانین موجوده است البته تصدیق میفرمائید قوانینی که الان موجود است قوانینی است که از مجلس گذشته بدیهی است قوانین مربوط بعدلیه را باید ترجمه کنند و طبع کنند اینها بجای خودش ولی يك چیزی که اینجا نوشته شده است لایحه قانون مدنی است. لایحه که از برای مجلس تهیه میشود يك وقت دو صفحه است سه صفحه ده صفحه است که میآید به مجلس و يك لایحه مختصری است يك وقت لایحه مهمی است که خودش يك کتاب است و این يك چیزی است که نه تنها وکلاء بلکه سایر مردم هم باید بخوندند و اظهار عقیده در اطراف آن بکنند البته هیچ منکر ندارد که يك لایحه هر قدر در آن مطالعه شده باشد و خوب هم تهیه شده باشد تا وقتی که مجلس رای نداده صورت قانون ندارد و در هر صورت او باید طبع شود و ما چون این را می خواهیم زودتر تهیه کنیم بعلاوه

نظرمان این است که در دسترس عموم بگذاریم و نظرهای عموم را جمع کنیم و قطع دارم که آقای مدرس هم این قسمت را موافقت میفرماید که این قوانین باید طبع شود اما راجع بان تصنیف هائی که بنده کرده ام و در کمیسیون مطرح است البته آنها را هم با هم قرارش را میگذاریم و بنده پولش را تقدیم میکنم

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهاد ها قرائت میشود

(بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد آقای کازرونی :

بنده تبصره ذیل را پیشنهاد میکنم.

تبصره - طبع کتب و قوانین مذکوره در طهران بعمل خواهد آمد

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - توضیح زیادی ندارد ممکن است باز هم آقای وزیر جواب بنده را بدهند و بنده هم قانع شوم لکن غرض من این است در طهران طبع شود

وزیر عدلیه - بنده تصور میکنم آقا موافقت بفرمایند و این پیشنهاد را مسترد بفرمایند. برای اینکه البته شما میخواهید خوب طبع شود جنابعالی شاید اطلاع داشته باشید کدام يك از مطابع حروف فرانسه خوب دارند ولی بنده شخصاً این اطلاع را ندارم. این ها را باید حروفشان را دید شرائطشان را دید اگر خوب بود البته بانها داده خواهد شد و البته در صورتیکه مطبعه خوبی باشد و يك شرائط خوبی هم باشد هیچ دلیل ندارد که در خارجه اینکار را بکنند

کازرونی - بنده نظر باینکه يك حسن عقیده و اعتمادی نسبت به حسن نیت آقای وزیر عدلیه دارم استرداد میکنم.

پیشنهاد آقای فیروز آبادی : بنده پیشنهاد میکنم که پنجهزار تومان فعلاً اعتبار داده شود

فیروز آبادی - بنده متأسفم در اینکه بعقیده خودم هر اعتباری که بمجلس می آید زیاد میدانم و مجبور

میشوم کم کنم آنوقت ضرب المثل میشود به اینکه هر وقت هر کس پیشنهادی میکنم فلانکس نصف میکند خیر اینطور نیست بنده حال این مردم را که ملاحظه میکنم می بینم اینها همه زیادی است دیگر اینکه ما میخواهیم این لواج را بالسنه مختلفه طبع کنم اولاً السنه مختلفه ما لازم نداریم همان زبان فارسی خودمان کافی است اثر دیگران هم قوانین خودشان را به لسان فارسی طبع میکنند شما هم طبع کنید ما يك لسان بین المللی داریم که فرانسه است و همین کافی است و با این حال پنجهزار تومان هم زیاد است به این ملاحظه است که بنده این پیشنهاد را کردم.

رئیس - آقای رفیع

حاج آقا رضا رفیع - نماینده محترم اقرار کردند به اینکه ترجمه اش لازم است ولی تقاضا فرمودند که فقط زبان فرانسه باشد بنده گمان میکنم که بهمین زبان هم باشد اما اینکه مبلغ را فرمودند زیادی است و کمتر خرج دارد این را وزارتخانه رسیدگی کرده است و تشخیص داده است و مبلغ ده هزار تومان اعتبار خواسته است و البته اگر کمتر خرج شد خرج نمیکند و میماند در هر حال این پیشنهاد را خوبست آقا مسترد بفرمایند

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده قلیل قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

تبصره ذیل را پیشنهاد میکنم :

وزارت عدلیه مکلف است صورت تفصیلی مخارج را بمجلس بیاورد

آقا سید یعقوب - بنده خیلی متأسفم که آقای رفیع جواب آقای فیروز آبادی را ندادند خدا کند که ما بنام زبانها قوانینشان را ترجمه کنیم نه تنها به زبان

فرانسه بلکه بنام زبانها و آن روز روز سعادت ما است ما که يك ملت گمنامی نیستیم که غیر از خودمان کسی زبان ما را نداند اما راجع به مسئله دوم که تبصره عرض کردم بنده گمان می کنم که خود آقای وزیر عدلیه باید کاملاً بدانند که بنده فوق العاده حسن ظن بآقای این وزیر دارم بواسطه اینکه ایستاد و زحمت کشید يك عدلیه را درست کرد که حقیقه تا اندازه اطمینان جان و مالی و همه جور در این عدلیه هست و بقدری که مقدر بوده است کار خودش را کرده است بنده بموجب زبان مجلس خودم این پیشنهاد را کردم چون باید تمام نمایندگان نظارت در خرج داشته باشند و اینجا بر سبیل اجمال بود حالا بنده پیشنهاد کردم که وزارت عدلیه مکلف است صورت تفصیلی را بمجلس بدهد تا این که حقوقی که قانون اساسی بما داده است که نظارت در مخارج باشد کاملاً محفوظ باشد این بود که بنده این پیشنهاد را کردم.

وزیر عدلیه - بنده حرفی ندارم ولیکن این مخارج هم مثل سایر مخارج بالاخره صورتش بوزارت مالیه میرود و به هر ترتیبی که آقایان در سایر مخارج مملکتی نظارت میکنند در این جا هم میکنند و الا در دادن صورت آن بنده حرفی ندارم.

آقا سید یعقوب - اجازه میفرمائید؟ بنده استرداد میکنم چون میدانم آقایان رای نمیدهند.

رئیس - آقایان اساسی پیشنهاد کرده اند که بجای قانون مدنی نوشته شود لایحه قانون مدنی

وزیر عدلیه - در آنجا هم نوشته شده است لایحه قانون مدنی بفرمائید بخوانند.

(بشرح ذیل خوانده شد)

تهیه و طبع لایحه قانون مدنی ...

رئیس - رای گرفته میشود به ماده واحده با اوراق آقایانیکه تصویب میکنند ورقه سفید خواهند داد.

(اخذ آراء بعمل آمده نتیجه بقرار ذیل حاصل شد)

ورقه سفید علامت قبول ۸۳

ورقه کبود علامت رد ۱

رئیس -- عده حضار ۱۰۲ با ۸۳ رای تصویب شد
(اسامی موافقین)

آقایان: بنی سلیمان - امام جمعه شیراز - فهیمی - افخمی - جلائی - کی استوان - عصر انقلاب - دشتی - دادگر - شیروانی - نوبخت - استرآبادی - یوو نیمور - میرزا عبدالله خان وثوق - نجومی - محمد تقیخان اسعد عمادی - میرزا عبدالحسین - فرمند خطیبی - بهبهانی - سید یعقوب - مولوی - بهار - حاج آقا حسین - خوئی - ابراهیمی - امام جمعه اهر - شیخ الاسلام - ملاری - سید محمد تقی - طباطبائی - موقر - ثقة الاسلامی - طباطبائی دیبا - عباس میرزا - فومنی - ایلخان - دکتر سنگ - عراقی - شریعت زاده - زوار - اسفندیاری - جمشیدی - مرتضی قلیخان بیات - سید حسین آقایان - باسائی - محمد آخوند - خواجهوی - حیدری - دیوان بیکی - افسر - آیه الله زاده خراسانی - وزیر - مقدم - معظمی - اسکندری - ارباب کیخسرو - ساکتیان - لیقوانی - مفتی - عدل - امیراسدالله خان عامری - پالیزی - محمد ولی میرزا - ملک آرائی - طباطبائی وکیل - دکتر رفیع خان امین - فرشی - میرعماد - دکتر مصدق - حقنویس - سید جواد محقق طاهری - ذوالقدر - روحی - غلامحسین میرزا مسعود حشمتی - احتشامزاده - دکتر تهمان - دولتشاهی - نگهبان - افشار - حاج میرزا حبیب الله امین (مخالف)

آقای تقی زاده

رئیس -- راجع بدستور پیشنهادهائی رسیده است
(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد آقای ضیاء
پیشنهاد میکنم که خبر کمیسیون بودجه راجع به پل سفید رود در درجه اول جزو دستور این جلسه شود.

بعضی از نمایندگان - بعد از خالصه انتقالی

رئیس - آقای ضیاء

ضیاء - تمام آقایان نمایندگان از نقطه نظر اهمیت زیادی که باقتصادات مملکت میدهند فوق العاده متوجه این قبیل لوایح هستند. اتفاقاً چند لایحه مهم مثل لایحه خالصجات انتقالی و غیره در دستور است که اگر بخواهیم تأمل کنیم تا اینکه لوایحی که در دستور است تمام شود و آنوقت بآن لوایحی که بگماده است و يك رای میخواهد رای بدهیم ممکن است کمیسیونها خامه پیدا کنند و آن لوایح بیفتد بدوره کمیسیون های دیگر مثلاً آقایان متوجه هستند که يك لایحه مختصری است که یکی دو ماده است و راجع به کمک به کار خالصجات است یکی راجع به قسمت رعایای سنگسر است که بگماده بیشتر نیست، کبریت سازی خراسان است، موضوع اراضی کرمانشاهان است و مؤسسات خیریه، بنده اینطور در نظر گرفتم که این لوایحی که يك رای بیشتر لازم ندارد و اتفاقاً لوایح مالی است هر جلسه قبل از این که وارد دستور شویم یکی از آنها در دستور بیاید. برای این جلسه بنده پیشنهاد کردم که لایحه راجع به پل متحرک روی سفید رود بین لاهیجان ورشت مطرح شود. آقایان متوجه هستند که اینگونه امور فوق العاده مهم است. مخصوصاً بکوقت اتفاق افتاد که بنده از آن راه رفتم. مسافری می آیند آنطرف رودخانه اسباب و زندگانی خودشان را میگذارند روی بلم و بلم آنها را از رودخانه میبرد و چون این اصلاحات خیلی لازم است و زحمت کمی هم دارد بنده پیشنهاد کردم که قبل از اینکه وارد مذاکره در لایحه خالصه انتقالی بشویم این رای داده شود و در جلسات دیگر هم اول هر دستوری یکی از آنها در دستور واقع بشود

رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - موافقم

رئیس - آقای عراقی

عراقی - موافقم

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - عرض کنم با این لایحه ما خودمان هم موافقیم و در کمیسیونها هم خود بنده و سایر رفقا با این لوایح کاملاً موافقت کردیم ولی چون این يك لایحه است که باید در واقع از سیصد و هفت بموقع اجرا گذارده شود بنده خیال میکنم که خیلی لزوم و فوریت ندارد بنا بر این خوبست آقای ضیاء هم موافقت بفرمایند که لایحه خالصه انتقالی تمام بشود بعد البته با آن لوایحی که فرمودند ما هم موافقیم و علاقه مند هستیم و آنها هم بموقع خودش جزو دستور می آید و ممکن است که این لایحه در درجه دوم جزو دستور باشد

شیروانی - بنده پیشنهاد میکنم در درجه دوم باشد

ضیاء - بنده هم موافقت میکنم.

رئیس - پیشنهاد آقای وزیری

(مضمون ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم خبر کمیسیون مبتکرات راجع به حقایق بلده ساوه را جزء اول دستور امشب قرار بدهند

رئیس - آقای وزیری

وزیری - بطور اختصار بعرض آقایان میرسانم سد ساوه که از بناهای خواجه شمس الدین تبریزی است و از حیث استحکام معروف. به سد شاه عباس است در این قسمت بنده يك پیشنهادی تقدیم کردم و رفت بکمیسیون و فعلاً این مجرای ساوه پنج دقیقه وقت میخواهد که قابل توجه شود و برود بکمیسیون.

رئیس - آقای خطیبی

خطیبی - بنده هم با اصل لایحه موافقم ولی در عین حال با تغییر دستور مخالفم اگر ما بخواهیم هر شب برای تغییر دستور در اینجا مذاکره کنیم بایستی هر شب وقت مجلس همه اش برای این موضوع تلف شود حالاً فعلاً لایحه

خالصه انتقالی درش شور هم شده است و مطرح است این را تمام کنیم بعد سایر لوایح را می آوریم و یکی یکی رأی میدهیم

رئیس - آقایانی که این پیشنهاد را تصویب میکنند قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد. پیشنهاد آقای روحی

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم که خبر کمیسیون بودجه نسبت به کمک مالی به کار خانه ریسبان باقی مرحوم صنیع الدوله و شرکاء جزو دستور شود

رئیس - آقای روحی

روحی - عرض کنم در مملکتی که فاقد وسایل اقتصادی است يك کارخانه که تأسیس میشود بعهده بنده باید از طرف مجلس ودوات با کمک مالی شود ما باید تشویق بکنیم مردمان را که بتوانند در این مملکت کارخانه ایجاد کنند مؤسسات اقتصادی ایجاد کنند مؤسسات تعاونی ایجاد کنند و بالاخره وسایل ثروت را فراهم کنند چنانچه همه جای دنیا هست. این خبر کمیسیون بودجه که تصویب شده است بیست هزار تومان کمک بکارخانه ریسبان باقی مرحوم صنیع الدوله و شرکاء است. پنج دقیقه وقت هم بیشتر لازم ندارد. بنده میدانم که با این پول ما میتوانیم از زوال يك کارخانه که به واردات مملکت کمک میکند و بگذازد ریسبان از خارج وارد شود جلو گیری کنیم به اندازه پنج دقیقه هم بیشتر وقت لازم ندارد بنده هم موافقت میکنم با آقایان که خالصجات انتقالی در درجه دوم باشد و خواهش میکنم این کار خیر را بگذرانند که حقیقه يك کارخانه در این مملکت دوام پیدا کند.

رئیس - آقای دادگر

دادگر - عرض کنم آقای روحی البته با حسن نیتی

این پیشنهاد را کرده اند ولی قانوناً خود آن حساب کنید به بینید برای این تغییر دستور چقدر وقت صرف می کنم. تغییر دستور موجب قوی میخواید این کرا را مذاکره شده است که وکلا فکر شان را برای يك لواجی حاضر میکنند و مراجعه میکنند و معتقد میشوند ولی آنوقت يك دليل قوی میخواهد که دستور تغییر کند والا اگر دليل قوی نباشد موجب ندارد بنابراین خواست آقای روحی هم این مسئله را مؤخر بدانند و در درجه دوم قرار بدهند

رئیس - آقایان که با این پیشنهاد موافقت قیام فرمایند.

(عده قلیبی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد پیشنهاد دیگر

پیشنهاد آقای کازرون

بنده پیشنهاد میکنم پس از قانون حکمیت قانون راجع بمجازات قاچاقچیان مطرح شود (همه نمایندگان)

کازرون - آقا اجازه بفرمائید. بنده اگر يك غلطی نوشته باشم خودم اصلاح میکنم زمانیکه بنده این پیشنهاد را دادم آن قانون مطرح بود ولی حالا آن قانون تمام شد و قانون دیگر آمد و آن مسئله گذشت و حالا پیشنهاد را قرائت میکنند بنده مقصودم این است که امروز موضوع انحصاری یکی از منابع مهم عوائد ما است و فعلاً بواسطه قاچاق دچار وقفه شده دولت هم در مقابل مردمانی که متهم بقاچاق هستند با مرتکب قاچاق میشوند حقیقه تکلیفش معلوم نیست يك قانونی بمجلس داده است و بکمیسینون رفته مدتی است خبرش رسیده و بنده چندین دفعه پیشنهاد کردم جزو دستور شود حالا اگر آقایان ترجیح میدهند که خالصجات جزو دستور باشد و این مسئله بماند و مسئله فروش خالصجات را يك امر فوری برای مملکت میدانند و بالعکس این موضوع آزی ندارد و مهم نیست بنده استرداد میکنم

و اگر خیر بر عکس این مطلب امر فوری است و برای مملکت لازم است و یکماده هم بیشتر نیست مطرح بفرمائید بعد هم بنده اطمینان میدهم که این خالصجات هم تمام شود شما عجله نکنید.

رئیس - آقای دادگر

دادگر - آقای کازرونی التفات بفرمائید کسی با پیشنهاد جنابعالی مخالف نیست ولی طرفدار این هستند که نظم و ترتیبی در کارها باشد و بالاخره این نوع فکر و تشتت خیال کار را از جریان می اندازد يك قضیه آمده است و ما آن بیست دقیقه است روی تشخیص موضوع و راجع به تغییر دستور صحبت میکنم این را بگذارید در جای خودش و البته محذوف نمی ماند نگران نباشید.

رئیس - رای گرفته میشود آقایانی که با این پیشنهاد موافقت قیام فرمایند

(عده مختصری قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد. پیشنهاد های راجع بماده سوم قرائت میشود

(بمضمون ذیل خوانده شد)

پیشنهاد آقای موقر

بنده پیشنهاد میکنم تبصره ذیل بعنوان تبصره چهار ماده سه اضافه شود

تبصره - دولت مجاز است اراضی خالصه بآب و بین اتباع ایران تقسیم نماید اشخاصیکه متصدی آبادی این گونه اراضی می شوند تا پنج سال از تأدیسه مالیات معاف از آن ببعده فقط مالیات اربابی خواهند پرداخت پس از دایره و آباد نمودن اراضی پنج اسم و رسم نمیتوان متصرفین را از تصرف محروم نمود.

رئیس - آقای موقر

موقر - عرض کنم اراضی خالصه بآب در خوزستان فوق العاده زیاد است چنانچه سابقاً هم عرض کرده ام

بالغ بر چندین هزار فرسخ مربع میشود فقط يك قسمت از آن آباد شده و قسمت عمده آن که تشکیل اکثریت میدهد بآب و مسلوب المنفعه مانده و حال آنکه در قدیم الايام این اراضی کلیه بطوری آباد بوده که محصولات آنجا نه فقط رفع احتیاجات داخلی را میکرده بلکه مقدار کثیری شکر نیل پنبه و حبوبات حتی منسوجات بخارجه صادر میشده و از آنجا روت وارد مملکت میشده است که در عظمت و قدرت ملی ما تأثیرات فوق العاده داشته است حالا (همان خاک و همان آب موجود) ولی چرا باید امروزه محتاج باشیم که قوت لایموت خود را از خارجه تحصیل نمایم متأسفانه ماده ۶۳ اجازه نمیدهد که بنده علل را مشروحاً بعرض مجلس شورای ملی برسانم علیهذا بطریق اختصار عرض می کنم علت العلل خرابی و زوال خوزستان همانا تأثیرات اسم خالصه گوی است که بر این املاک گذاشته شده و موجب تفرقه و پراکنده گوی رعایا گردیده و از این جهت خوزستان آباد امروز بکلی خراب است هر آینه دولت تصمیم اتخاذ کند که این اراضی را بین اتباع ایران تقسیم نماید امیدوار به آبادی خوزستان و بالاخره اسباب آبادی مملکت خواهد شد از این نقطه نظر بود که بنده پیشنهاد کردم اراضی خالصه بآب بدون منفعت بین رعایا تقسیم شود تا اینکه هم دولت و هم ملت بتوانند از وجود آنها استفاده کنند بنده چندین قبل مراجعه به استانیستیک کمرکی می کردم يك افلاخی نسبت بصادرات و واردات خوزستان مشاهده شد که ذکرش را در اینجا خیلی واجب میدانم. عجلتاً بنده کاری بوضعیات از منته قدیم ندارم صحبت لمز بیست سال قبل میکنم. بیست سال قبل صادرات خوزستان از قبیل حبوبات بالغ بر هفتاد و چهار هزار خروار بوده که به مملکت انگلیس و آلمان حمل شده است ده سال بعد صادرات ما مبدل بصادرات شده و پنجساز و هفت هزار خروار گندم و جو و آرد و برنج از هندوستان وارد خوزستان شده دو سال قبل میزان واردات همین اجناس به صد

هزار خروار رسیده تفاوت عمل بیست سال قبل با دو سال قبل بالغ بر ۲۶ میلیون قران بوده که بضرر ما تمام شده است. البته نامادامی که اسم خالصه گوی در املاک باقی است به هیچ وجه نمی توان امید آبادی داشت مملکت مال ملت است و باید بدست ملت آباد بشود...

زوار - ماده ۶۳ کاملاً از بین رفته است

موقر - ماده را بنده خودم عرض کردم قبول هم دارم اما تأمل بفرمائید این يك مسئله حیاتی مملکتی است گمان میکنم حضرتعالی هم علاقه مند باشید.

یک نفر از نمایندگان - راجع باین موضوع نیست

موقر - اجازه بفرمائید راجع بهمین خالصجات انتقالی است در این صورت استدعا میکنم توجه بفرمایند يك مسئله حیاتی و قابل توجه عموم آقایان نمایندگان است مملکت امریکایی شمالی که از بزرگترین ممالک با ثروت عالم است فقط از تأثیر این قانون که املاک بین رعایا تقسیم کرده آباد شده. امروزه که بحمد الله مملکت ایران دارد راه ترقی را می پیماید خواست ما هم ناسی به آنها بجوئیم و باید گفت، همچنان رو که رهروان رفتند علیهذا چون آقایان نمایندگان کاملاً علاقه مند به آبادی و عمران مملکت هستند لهذا بنده این تبصره را پیشنهاد کردم و امیدوارم که آقایان نمایندگان این را بموقع اجرا بگذارند

فهیمی (مخبر کمیسینون) - پیشنهاد آقای موقر البته اساساً خیلی خوب نظری است ولی جایش اینجا نیست سابقاً هم پیشنهادی از طرف آقای شیروانی در همین زمینه شده بود و بکمیسینون رفته است يك چیزی بعنوان ماده الحاقیه تهیه بکنند و بمجلس تقدیم کنند این تبصره هم باید باشد بفرستند بکمیسینون در آنجا اصلاح خواهد شد

رئیس - تقاضای ارجاع بکمیسینون کردید؟

مخبر - این تبصره ایشان را هم در جزو پیشنهادهای

ماده اول کمیسیون مراجعه بشود زیرا مربوط باین ماده نیست
پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

پیشنهاد میکنم ماده سوم این نوع اصلاح شود:

ماده سوم - میزان مالیات خالصه انتقالی ثلث عوائد مالک است چنانچه ثلث عوائد از میزان مالیات املاک اربابی اضافه باشد دولت مکلف است در ظرف پنج سال آن اضافه را تقویم نموده باقساط پنجگانه در یافت دارد
رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - این پیشنهادی که بنده عرض کردم در تعقیب ادله ایست که نسبت به خالصه انتقالی دارم عقیده ما این است که يك قدم هائی برداریم بر واحد کردن همه چیز. در هر چیزی ما اختلاف داریم از جمله چیز هائی که کاملاً محل اختلاف است در مملکت همین مسئله مالیات است نسبت به املاک. در هر جا يك جور مالیات میگیرند حقیقه این زنجیر هائی است که از دوره های سابق به پای مردم افتاده است از جمله یکی مسئله خالصجات است این خالصجات انتقالی به چه ترتیبی منتقل شده و مردم چه جور گرفتارند چه عرض کنم. ما در دوره چهارم و پنجم زحمت کشیدیم و يك قانونی گذرانیم که عبارت از قانون ممیزی و تعیین مالیات اربابی بود این قانون را باید ما کاملاً تعقیب کنیم و مالیات را متحدالشکل کنیم مالیات املاک اربابی خالصه انتقالی که مطابق ماده که ماده سه شد از ۱۳۰۰ یا از ۱۳۰۷ قری معین شد که آقای ناسائی پیشنهاد کردند و خبرش خواهد آمد. خالصه انتقالی بعد از این عنوان را ندارد که ما دو مرتبه بگوئیم خالصه و هی املاک را قسمت کنیم. یکی خالصه انتقالی، یکی غیر انتقالی، یکی اربابی، بنده برای این که کاملاً ملاحظه منافع دولت را کرده باشم و از آنطرف هم عقیده خودم که عبارت از یکی کردن مالیات ها باشد و بایستی مالیات را مثل املاک اربابی قرار بدهیم پیشنهاد کردم که ثلث عوائد مالکانه در خالصجات انتقالی

مالیات دولت باشد و این ثلث را میزان بگیرند و ما مالیات که مطابق قانون ممیزی معین کرده اند این ثلث اگر مساری است دست از جان مردم بردارند. ملت بیشتر از این ندارد. هر مالکی نسبت به ملک خودش ثلث بیشتر نمیگیرد چنانچه ملائین در مجلس هستند تصدیق میکنند عرایض بنده را. اگر این ثلث مطابق است با همان مالیات املاک اربابی دولت این ثلث را بگیرد و دست از جان مردم بردارد و بطور کلی عنوان خالصگی را بردارد و اگر این ثلثی که نوشته ایم زیادتی است این زیادتی را در عرض پنج سال تقویم کنند (تومانی پنج تومان آنها ندارند) و در عرض پنج سال باقساط پنج گانه بپردازند. کان میکنم این پیشنهادی که بنده کردم اگر آقای مخبر قبول کنند دیگر محتاج باین تبصره و شرح و بسط نیستیم ماده چهارم هم ازین میرود مالیات خالصه را هم معین کردیم و تکلیف مردم معین میشود و بعد از پنج سال ریششان از دست اداره خالصه نجات پیدا میکند آخر تاکی این مردم بدبخت گرفتار يك فرمانی باشند و هر روز اسباب زحمت خودشان باشد حالا قضاوت با خود آقای مخبر و آقایان نمایندگان است

مخبر - بکمرته دیگر خوانده شود.

(پیشنهاد مزبور مجدداً بشرح سابق خوانده شد)

مخبر - پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب قابل اجرا نیست ولیکن عرض میکنم بری شب آقای کازرونی يك اظهاری فرمودند که چطور است این مالیات ها را مساوی قرار بدهیم با صدی پنجاه باشد یا بعضی از آقایان میفرمودند کمتر و بعضی بیشتر باشد این نکته را باید آقایان متوجه باشند که دولت بموجب قانون باید برای تمام املاک يك مالیات معینی وضع کند. مالیات املاک اربابی را معین کردند صد سه و نیم از عایدات کل. هر مالکی مالیات نداشته باشد یا کمتر از این باشد دولت باید ناصد سه و نیم بدون گفتگو علاوه کند و

هر مالکی هم علاوه دارد باید کمتر کند تا مأخذ صد پنجاه و نباید استثنائی از برای وضع مالیات قائل شوند لیکن بعضی املاک هست که از آنها دولت مالیات نمیگیرد و در موقعیکه منتقل کرده است حق اربابی را برای خودش محفوظ داشته است باین معنی بعضی از این املاکی را که خالصه انتقالی میگوئیم در موقعیکه دولت منتقل کرده است این ملک را با شرط نادیه این میزان مالیات منتقل کرده است. خانه ایست بنده فروخته ام به زید در قباله فروش شرط کرده ام که دو اطاقش را باید برای خودم محفوظ بدارد و این چیزی را که دولت میگیرد در حقیقت منال است نه مالیات يك حقی است حق اربابی بدلائلی که در جلسات قبل عرض شد در سنوات اخیر مالکین و متصرفین از عهده نادیه این منال نتوانسته اند بر آیند حالا میخواهیم ترتیبی بدهیم که هم مالیات خالصه گی آنها معلوم شود و هم اینکه در آتیه بتوانیم تغییر بدهیم بصورت اربابی دولت که صاحب این مالیات است هر میزان او را میخواهد تخفیف بدهد یا به بخشد مجاز است مجلس شورای ملی که نماینده کلیه مملکت ایران است و اختیار تمام امور مالی این مملکت را دارد میتواند رای بدهد که تمام مالیات خالصه انتقالی بخشیده شود ولی هیچکدام از آنها را بدون جهت نمیتواند تبعیض کند و چیزی بر آنها بیفزاید. آن روزی که شما این ملک را منتقل کردید بیک نفری یکی از آنها ناصد تومان یکی سیصد تومان ناصد تومانی را میتوانید دو بست تومانش را به بخشید و سیصد تومان بگیرید ولی دو بست تومانی را چطور میتوانید بگوئید ناصد تومان و اضافه کنید اگر ما بگوئیم مساوی قرار بدهیم ممکن است بعضی تخفیف داده شود ولی به بعضی دیگر اضافه شود اگر از يك کسی کسر کنیم دلیل ندارد که جبرانش را دیگری کند لهذا ما در نظر گرفتیم يك حد اعلائی از برای میزان مالیات قرار بدهیم که آن صدی پنجاه عایدات خالص است آن هم به آنطور که آقای ناسائی اشاره

میفرمودند که چرا مالیات ها را بریم تا صدی پنجاه این طور نیست آهنائی که بیش از صدی پنجاه است می آوریم باین تا حدود صدی پنجاه و آهنائی که کمتر از صدی پنجاه است بحال خودش هست و چیزی اضافه نمیشود و اینکه میفرمایند ثلث باز همان ایزاد اولی وارد است. به بعضی ظلم میشود و نسبت ببعضی نهایت رافت است ولی صدی پنجاه که گرفتیم بنظر بنده زیاد نیست...

کللی - زیاد است

مخبر - بله برای جنابعالی که خالصه انتقالی دارید

زیاد است

کللی - بنده خالصه انتقالی ندارم

مخبر - ولی بطور کلی زیاد نیست علتش هم این است که صدی پنجاه که حداکثر يك ملک است يك ملک را که ناصد تومان مالیات برایش قرار میدهیم آنوقت يك عشر هم تقریباً برای مالیات ارضی کسر میکنم میباید صدی چهل. صدی چهل در خریداری از قرار تومانی پنج تومان نسبت به قیمت بهترین املاک است زیرا بهترین املاک آن است که ده يك خریداری شود ما که تومان پنج تومان میگیریم تقریباً نصف است نصف صدی چهل صدی بیست است پس در اینجا ملاحظه میفرمائید که اجحافی مالکین نشده بلکه نهایت رافت و همراهی هم با آنها شده است در خریداری هم که با آنها مساعدت میشود که مرور بخزند این بود که کمیسیون صدی پنجاه را گرفت و این نهایت مساعدتی است که با آنها میشود با تساوی و با میزان ثلث هیچکدام موافقت حاصل نخواهد بود

رئیس - آقایانی که این پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده قلیلی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای ارباب

کیخسرو

و بگویند بیائید الان برآورد کنید سه سال را واحدی برای آن قرار دهید. برای اینکه جلوگیری از این نظر شده باشد بنده در اینجا پنجسال پیشنهاد کردم زیرا اگر کسی هم بخواهد این نظر را بگیرد در این صورت البته بیشتر بضرر خودش تمام میشود. از طرف دیگر اینجا املاک متعدد است در اطراف مملکت يك قسمت املاک است که ممکن است سه سال پیاپی مورد آفت و خسارت شده باشد وقتی که دولت بخواهد وارد این قضیه بشود بضرر دولت تمام شود. يك قسمت املاکی است ممکن است سه سال پیاپی حاصل خوب داشته باشد بضرر مالك تمام شود بالاخره وقتی که يك قانونی وضع میشود نباید از يك طرف آن قدر اشکال برای يك طبقه فراهم آورد و از طرف دیگر شفقت نام برای يك طبقه باشد. هرگاه ما پنجسال قرار دهیم کمتر جایی بنظر می آید که یا به کلی آفت زده باشد یا تماماً حاصلش خوب باشد. این يك حد وسطی است که ممکن است خوب و بد باشد يك نظر دیگری هم که بنده داشتم این بود که شرط بشود در وقتی که بخواهند تشخیص این قسمت را هم بدهند که مالك تعمد نکرده باشد در نکاشتن برای چه برای اینکه تشخیص این از کجا معلوم میشود؟ یا باید مالك ممکن این را داشته باشد که این را کاشته باشد یا طبیعت کمک کرده باشد یا بشود البته این قسمت اخیر ممکن است در وقت تشخیص بین مأمورین دولت و مالك يك اشکالاتی تولید کند بنده در این قسمت اصراری ندارم ولی در آن قسمتی که پنجسال باشد بنده گمان میکنم که بیشتر مقرون بصالح باشد و از هر حیث بی آفت و با آفت را مخلوط میکنند نه بضرر مالك تمام میشود و نه بضرر دولت

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - عرض کنم راجع باین موضوع در کمیسیون قوانین مالیه باحضور نماینده دولت مخصوصاً يك مذاکرات مفصلی شد و بالاخره تشخیص داده شد که سه سال مفیدتر از

۵ سال است باین علت که سال گذشته ۳۰۵ محصول در تمام مملکت فوق العاده خوب بوده در سال ۳۰۴ نسبتاً آفت داشته است و امسال هم یکسال متوسط بوده است و اگر ما بخواهیم روی پنجسال برویم اساساً تشخیص غیر مقدور است برای اینکه سلاکین که يك صورت مشخص و مرتبی ندارند دچار میشوند مأمورین مالیه و خیلی تولید مشکل میکنند اما سه سال را باز ممکن است. يك ترتیبی تشخیص داد. اما اینکه فرمودید ممکن است بعضی از مالکین تعهد کرده باشند در زراعت بنده خیال نمیکنم هیچ مالکی در زراعت تعهد کرده باشد و سابقه هم نداشته است که يك همچو قانونی از مجلس خواهد گذشت که مالك تعمد کرده باشد در نکاشتن و بنده گمان میکنم که آقای ارباب هم موافقت فرمایند و استرداد کنند این پیشنهاد را.

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عدد قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای ضیاء

(بمضمون آتی خوانده شد)

تبصره ذیل را بماده سوم لایحه خالصجات انتقالی پیشنهاد میکنم

تبصره - خالصجات انتقالی که تا قبل از تصویب این قانون در تصرف زارعین دهاقین خورده مالك است از این قانون مستثنی و مطابق املاک ارباب باید ممیزی شود

رئیس - آقای ضیاء

ضیاء - البته نمایندگان محترم هم متوجه اند که در موقع وضع اینگونه قوانین رعایت کامل نسبت بحال زارعین و دهاقین خورده مالك مملکت باید کاملاً ملحوظ شود. اینجا در این قانون ذکر شده است خالصجات انتقالی و این مشمول مالکین هم که رو به مرگه نیمدانک یا ربع دانک از ملکی دارند میشود در حالی که این

بیچاره ها آن استطاعت و توانائی را ندارند که بتوانند در مقابل اظهارات قانونی وزارت مالیه جواب بدهند و حاضر بشوند و حکم معین کنند و در این قسمت ها وارد مذاکره بشوند. يك ملکی بوده است يك وقت مال بکنفر و خالصه انتقالی بوده حالا ممکن است تقسیم شده باشد بین خورده مالکین و فروش رفته باشد برای اینکه محظوری پیدایش نیاید بنده ذکر کردم که خالصجاتی که تا قبل از تاریخ تصویب این قانون در تصرف خورده مالکین است برای آن اشکالی که آقای مخبر ذکر کردند که مبادا بعد از وضع این قانون مردم بروند املاکشان را تقسیم کنند و خورده مالکین زیاد درست شود. این است که رفع اشکال شده و پیشنهاد هم شده است که املاکی که قبل از تصویب این قانون در دست خورده مالکین است مستثنی خواهد بود

مخبر - عرض میشود بنده رعیت و دهقانی سراغ ندارم که خالصه انتقالی داشته باشد مال اشخاصی است که رعیت بیچاره زیر دست آنها شده خالصه انتقالی دست اشخاص ملاک است همیشه

نابت - خورده مالك نمیشود ملاک باشد؟

مخبر - چرا. هر وقتی که این مالکین قدرت داشته اند و دولت توانسته از آنها جلوگیری کند مالیات را هم خورده اند و عایدات را هم برده اند هر وقت دولت قدرتی پیدا کرده است و توانسته اند کاری بکنند آمده اند زارع را جلو انداخته اند که املاک مال این بد بختها است. مالیات مال اینها است. نگذارید کلاه اینها را بردارند همان اشخاص را وادار کرده اند که بر علیه خودشان فریاد کنند. بالاخره وقتی که نتیجه گرفته شد باز آقا از پس برده در میآید و عایدات را میبرد. باضافه خالصه انتقالی ملك است هر کس که فایده اش را میبرد بالاخره يك پولی میدهد و آن مالیات را میخرد. آقای یاسائی بری شب خودشان میفرمودند که يك قلدر هائی آمده اند بزور پولشان را هم از آنها گرفته اند. يك

(اینطور خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم تبصره ۱ ماده سه این قسم نوشته شود:

تبصره (۱) - خالصجات انتقالی که در سنوات اخیر لا اقل سه سال متوالی اخیر مسلوب المنفعه بوده است ارباب کیخسرو - بنده میخواهم خاطر آقایان متوجه باشد که در این لایحه نوشته است خالصجات انتقالی که در سنوات اخیر مسلوب المنفعه بوده اند مشمول فلان الی آخر اینجا معلوم نیست از وقتی که در نظر گرفته اند سنوات اخیر را چند سال در نظر گرفته اند ممکن است وزارت مالیه يك قسم دیگر تعبیر کند و مالکین يك قسم دیگر. این است که بنده يك حدی قرار دادم که لا اقل سه سال متوالی مسلوب المنفعه باشد و الا با این طرز همیشه بین وزارت مالیه و مالکین تولید مشکلات خواهد شد

مخبر - پیشنهاد آقای ارباب کیخسرو را قبول میکنم

رئیس - پیشنهاد دیگر آقای ارباب کیخسرو

(بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم تبصره ۲ ماده ۳ این قسم نوشته شود

تبصره ۲ - مراد از عایدات متوسط خمس عایدات پنجسال اخیر است یا رعایت آنکه بحد وسایل ممکنه کاشته شده باشد

رئیس - آقای ارباب کیخسرو

ارباب کیخسرو - اینجا در لایحه که پیشنهاد کرده اند هیچ حکم قطعی ندارد که در چه موقع مالك با دولت داخل تشخیص عمل شوند. اختیار را واگذار کرده است بمالك. ممکن است مالکینی که يك مالیات سنگینی دارند يك وقتی مقتضی این باشد که طوری سه سال را تهیه کنند که کاشتشان کم شود تا بتوانند در آن موقع بعد از سه سال بروند و با دولت يك قراری بدهند

فلچهای آمده پول را از فلان زارع گرفته بعد ملکش را هم گرفته است اینها هم پول از زارع گرفته اند هم بکارش را داشته اند و هم در موقع آنها را پیش انداخته اند. اگر رعایتی نسبت بآنها بشود عیب ندارد. ولی من مطمئنم که نسبت بآنها رعایت نمیشود و این يك فایده است که ملائین میبرند و باضافه یقین بدانید که از فردا تمام اینها مال زارعین میشود پس از آنکه این مالیات محقق شد دو باره میروند دست ملائین.

ضیاء - بنده مطابق ماده صد و نهم اجازه میخواهم رئیس - چه شده است؟

ضیاء - عرایض بنده را بر خلاف واقع جلوه دادند. بنده نظرم این بود که خورده مالکها اشخاص ضعیف ...

رئیس - اگر تهمتی زدند بآنها زدند بشما که نزدند ضیاء - بنده ماده صد و نهم را قرائت میکنم. ماده ۱۰۹ (اگر در ضمن مباحثات و نصق افترا و تهمتی یکی از نمایندگان زده شود یا عرایض او بر خلاف واقع جلوه داده شود...) آقا هم این عرایض بنده را برخلاف واقع جلوه دادند غرضم افترا و تهمت نیست. ما يك مثل کوچکی میتوانیم بزینم يك نفر پیدا شده است، يك خاصه انتقالی بدست آورده است خودش رفته است سر آن ملك. بالاخره فوت شده است. این خاصه انتقالی تقسیم شده است بین اولادش. اولادش هم مشغول زراعت شده اند، نه قلدر بوده است نه فلچهای. يك کسی بوده است که هر وسیله يك خاصه انتقالی بدست آورده ولی حال دست يك عده مردمان ضعیف است بعلاوه همه نمایندگان قائلند که این املاك خراب باثری که بنام خالصه دست دولت است بهر صورتی بین مردم تقسیم شود بروند آباد کنند بهتر است

رئیس - آقا باینکه پیشنهاد آقای ضیاء را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای مدرس (بشرح آتی قرائت شد)

پیشنهاد میکنم بجای ماده سوم و چهارم نوشته شود مالکین خالصجات انتقالی مالیات خالصه ملك خود را نباید در ظرف يكسال تبدیل مالیات اربابی نمایند این ترتیب که معادل مالیات اربابی قانونی را کسر نموده بقیه را نومان پنجتومان خریداری نموده که در عرض سه سال بوزارت مالیه پرداخت نمایند

تبصره ۱ - خالصجات انتقالی که در سنوات اخیره مسلوب المنفعه بوده اند مشمول قانون مالیات اربابی خواهند بود

تبصره ۲ - در موقع خریداری اضافه مالیات خالصگی قیمت جنس مالیاتی به نرخ متوسط پنجسال اخیر است الی آخر

مدرس - تبدیل کردم بيك پیشنهاد دیگر او را بخوانید

[پیشنهاد دیگر آقای مدرس بمضمون ذیل قرائت شد]

پیشنهاد میکنم ماده چهارم بجای ماده سوم نوشته شود بترتیب ذیل

مالکین خالصجات انتقالی که در ماده اول معین شده مالیات خالصگی ملك خود را که مورد عمل سنواتی آنها بوده و وزارت مالیه مطالبه مینموده در طرف يك سال تبدیل اربابی خواهند نمود باین ترتیب که معادل مالیات اربابی قانونی را کسر نموده بقیه را تومان پنج تومان از دولت خریداری نموده که در مدت پنجسال بپردازد و الا عین آنچه در فرمان معین شده از او مطالبه خواهد شد

مدرس - از مدتی قبل باین طرف بنده خیال میکنم قانون باین مشکلی در مجلس نیامده و آقای رئیس هم البته این را تصدیق میفرمایند لذا در پیشنهادها که باید کم حرف زده شود زیاد حرف زده میشود معذک حرفی نمیزنند چون بعقیده من از قوانینی است که حلقه خیلی

ملك را که دولت داده است يك شرطی کرده است شرط کرده است که این مالیات فرمان را که مهره است با هر چه هست بدهد. این شرط توش هست یا نیست؟ ...

محمد هاشم میرزا افسر - هست

مدرس - پس روی حساب اگر عالماً عامداً عمل باین شرط نکنند باید بگویند آقا باین شرط عمل نمیکنی

ول کن من باین شرط این را واگذار می کنم شما میگوئی من باین شرط وفا نمیکنم از من هم نگیر!!

این فلسفه را کدام کتاب نوشته است؟ من دادم بشما که سالی صد خروار بگیرم شما میگوئی سالی صد خروار

را نمیتوانم بدهم ملك را هم از من نگیرید! بفرمائید این فلسفه اش کجا است؟ در زمانهای بعد که مردم

این ملکها را خریدند بخجالات. یعنی او گفت من میخرم صد خروار بعد تسعیر میکنم او گفت میخرم بعد تعمیر

میکم بعضیهاش خوب در آمد بعضیهاش با شکالات بر خورد من يك ملك خوبی خریدم تسعیر هم کردم ازش منتفع شدم يك کس

دیگر ملکش قابل نبود یا نتوانست تسعیر کند با شکالات بر خورد مأمورین مالیه مطالبه آن شرط را کردند آنها شکایت

کردند. دولتهای وقت بر حسب ارفاق. منتصرفین آمدند و این قرارداد را کردند بعضی را کم کردند بعضی را

تصیف کردند و هکذا يك انواع مختلفه در این مدتها سیر کرده و همه آقباان هم که فرمایش مفرمانند بنده

ملاحظه میکنم که خیلش مصداق دارد البته خیلی اش دست خورده مالک بوده خیلش هم دست درشت بوده

خیلش منفعت دارد بعضیها هم منفعت کم دارد با ضرر دارد. همه قسم هست. ما آمدیم و دیدیم که حقیقه

دولت در زحمت است. مردم در زحمتند. فکر کنیم که چه کنیم که هم دولت آسوده شود و هم مردم

بیائید حساب کنید. بر یکی یکی گریه نکنید. البته نوبی صد هزار نفر بتیم هم دارد، قلدر هم دارد، خوب

هم دارد، بد هم دارد، حساب کنیم. چه باید بکنیم که هم دولت در زحمت نیاند هم مردم در زحمت

مشکل است. حالا برهانش که چرا مشکل است. اگر شاهزاده افسر توجه بفرمایند. بواسطه اینکه فلسفه های متعدده اینجا جمع شده. فلسفه های متعدده که با همدیگر جمع خیلی مشکل است در این قانون جمع شده اگر آقای مخبر اجازه بفرمایند از اول شروع کنم و عرض کنم

مخبر - ماده ۶۳ را هم رعایت بفرمائید

مدرس - ماده ۶۳ را عذر خواستم چون فلسفه اش زیاد است باید عرض کنم که اولاً دولت که دولت ایران است

و ما دولت ایران را همیشه مسلمان شناخته ایم و باز هم میشناسیم آمده است يك املاك مجهولی که در تصرفش

بوده است یا نحاء مختلفه واگذار کرده است. بعضی را بخشیده بعضی را بفرموده شما بيك حزئی داده. بعضی

را عطیه کرده بانواع و اقسام مختلف این عملی بوده است که دولت میکرده است و ما نمیتوانیم بگوئیم این

عمل مشروع مملکتی نبوده است. باید بگوئیم مشروع مملکتی بوده است و ما دولت های خودمان را از

خودمان میدانیم و دولت مسلم میدانیم باید اعمالش را مثل اعمال خودمان بدانیم. من يك هبه میکنم، به

ارزان، به گران میفروشم، شرط میکنم اگر در این مسئله شبهه هست بفرمائید من که شك و شبهه ندارم

اما املاك مجهول الهویه بوده. شاید بعضیها از بابت بقایای ضابطین ضبط شده بعضیها موقوفه بوده است.

بعضی مال یاغیها بوده در هر صورت در تصرف يك دولت مسلمی که افعالش محمول بر مشروع قانونی است

بوده است پس این حرفی که ارزان فروخته اند گران فروخته اند، بخشیده است، آباد بوده است، خراب

بوده است، قلدر بوده است، ضعیف بوده است اینها خارج از موضوع است. بابا آخر ما يك اساسی داریم.

اگر آن اساسها را بخوایم ول کنیم مسئله است. این يك مقدمه که بعقیده من همه شما عن اعتقاداً موافقید

و همه را باید محفوظ داشت. مسئله دوم اینکه این

باشند و این اشکالات هم رفع شود. خیلی هم حقیقه عذر میخواهم که زیاد حرف میزنم ولی چاره ندارم چون اجازه خواستم اجازه بمن نرسید. سه فلسفه داشت يك فلسفه اینکه مالیاتهای مملکت متحدالشکل باشد. هر کدامش يك جووری نباشد. یکی اینکه این ادارات دولتی که باید يك دستکاه و چرخ علیحده بجهت جمع آوری اداره خالصجات انتقالی داشته باشند و علیحده يك مخارج و يك مصرف میکنند این خرج از کردن دولت بر داشته شود. یکی اینکه من که مالک خالصه انتقالی بودم ارباب حساب میشدم اما هیچکس صد دینار بمن قرض نمیداد زیرا که ملک خالصه انتقالی بود ولیکن ملک خالصه انتقالی جزو ملک حساب نمیشد اعتبار نداشت. مالیات نداشت. گفتیم چه عیب دارد منی که مالک يك ده هستم و صد دینار اعتبار ندارم این را بی عیبش کنید نه من بشوم صاحب ثروت، دلم گرم شود و این ده را آباد کنم. این سه عیب در نظر بود و آمدیم و این لایحه را تنظیم کردیم از برکات و توجهات آقای مخبر ماده ۳ و چهارمی نوشته شد که ده درجه بر زحمت متصرفین افزود. ده درجه مخارج اداره مالیه را در خالصجات انتقالی زیاد کرده است و بالاخره هیچکس هم نمیخورد.

عباسپیرزا - چرا؟

مدرس - آقای سالار لشکر شما نمیخرید. من در این مجلس میگویم شاهزاده فرمانفرما يك خالصه نمیخورد چرا بخرد؟ شما نوشته اید (میتواند) میگوید من نمی خرم چرا برای این که نگاه بصره اش میکنند. آن مقاصدی که ما داشتیم هیچکدامش حاصل نمیشود و باز هم معذرت میخواهم آن فرمایشات آقای موقر و فرمایشات آقای کازرونی ربطی باینجا نداشت او را ما قبول داریم اما ربطی باینجا ندارد. خالصجات انتقالی یعنی دولت بهره بر میداشت، داده است بمردم. چه ربطی بانها دارد که در اهواز افتاده است که بنده هم دیده ام...

کازرونی - آنها آدم نیستند

مدرس - در هر صورت بنده این ماده را پیشنهاد کردم اگر آقای مخبر صلاح میدانند در کمیسیون بروند و نظری کنند و آن اینست که بجای ماده ۳ و ۴ نوشته شود کلیه خالصجات انتقالی که در ماده اول معین شد مالکش بقدر مالیات اربابی قانونی را بگذارد زمین هر چه شد باقی را تومانی پنجتومان یعنی آنچه که از او مطالبه میکنند نه آنچه توی فرمان نوشته است آن مقداری که بموجب قرار داد های اخیر از آنها مطالبه میکنند مثلاً سالی بیست خروار لزش میکرفته آن سه خروارش را بگذارید زمین آن هفده خروارش را تومانی پنجتومان قیمت کنند و سه ساله یا چهار ساله هر چه شما معین میکنید بدهند باشخاص استثناء هم ندارد میان آنکه شکایت کرده است یا نکرده است. هر کس که مالک خالصه انتقالی است بقدر مالیات اربابیش بگذارید زمین باقیش يك خروار است بقیمت تومانی پنجتومان پنجاه خروار است هر چه هست قیمت کنند و بدهند اگر نکرد آن شرطی که اول در ضمن عقد با او شده است دولت همان شرط را رفتار کند. این عقیده بنده است و دو تبصره ذیل را قبول دارم با اینجاده که پیشنهاد کرده ام

مخبر - بنده خیلی میل داشتم که میتوانستیم پیشنهاد کنیم ماده ۶۳ نسبت به آقای مدرس همیشه استثناء باشد زیرا که از فرمایشات آقای مدرس استفاضه میکنیم ولی در اصل موضوع فلسفه این کار را از ابتداء فرمودند که چه بوده است، این معاملات را دولت قانونی کرده است، و اگذار کرده است باشخاص، غالباً شاید همه اطلاع داشته باشند که همان فرامین را برای اینکه بیشتر صورت شرعی بهش بدهند پیش علماء هم برده اند که ملکیت آنها تقریباً شرعی و قانونیش همه چیزش درست شده باشد. کسر هائی که بعد کرده اند از آن جمع اول همه اش برای خصوصیت نبوده برای این بوده

است که دیده اند ان ملک جمعی را که بآن اشخاص داده اند عمل نمیکند، عنوان تسعیر و تخفیف را آورده اند. چنانچه بعد از قانون مصوبه مجلس اول که تسعیرات و تخفیفات موقوف شد حقیقه جمع کشیری حاضر بودند که املاک را اواگذار کنند بدولت برای اینکه نمیتوانستند از عهده برآیند این قرارهائی که از برای تنصیف و غیره داده شد برای این ملاحظه بود اما کاریکه الان ما می خواهیم بکنیم اشکال در يك مطلب است اگر چه ان قسمت موضوع ماده بعد است ولی چون آقا در این ماده پیشنهاد فرمودید ناچارم عرض کنم. ما نظرمان این است که این ماده باید اجباری باشد و مردم مکلف باشند بخرند شاید غالب آقایان این فکر را طرفدار هستند ولی در عمل ممکن نمیشود ما میرویم يك زحمتی از گردن مردم برداریم يك زحمت بیشتری بگردن مردم میاندازیم بجهت اینکه يك اشخاصی دارای املاک هستند و يك مبلغی از مالیات را باید خریداری کنند آنها نمیتوانند از عهده برآیند و پول بدهند و این مالیات را بخرند در این صورت دولت چه باید بکند دولت ناچار است بدیگری بفرودشد ملاحظه فرمائید اگر همچو چیزی پیش بیاید آن وقت يك اشخاص بولداری دیگری يك ملک ارزانی را تومانی پنجتومان میروند از سایر اشخاص میخرند و آن مالک اولی دیگر صاحب ملک نخواهد بود این پیش بینی را برای حال آن مالکین کردم، این قانون را برای راحتی مالکین میگذاریم که دیگر تزلزل نداشته باشند مالیاتشان هم معین باشد ولی از آن طرف اگر مسئله اجبار پیش بیاید يك راه دیگری پیش می آید که ممکن است يك دردسر دیگری تولید کند که يك قسمت از ملک مالکین میروند و يك اشخاصی که پول دار هستند ملک او را میبرند و يك زحمتی از این اجبار برای او تولید می کنند که در نتیجه ممکن است اصل ملک از دستش برود بنده چندین با اجباری شدن مخالفتی ندارم ولی رو بهمرفته که نگاه کردم برای العین دیدم که امروز غیر ممکن است و عجاله چندین ضرر دارد. ما مقدمه این اساس را می چینیم

یکسال دو سال هم عمل میکنند البته اشخاصی که این املاک در دستشان هست می آیند و این معامله را میکنند و بعد از يك مدتی نه مطالعه کردیم و دیدیم که چه می شود مانعی ندارد که یکسال دیگر، دو سال دیگر يك ماده بگذارند که بقیه اجباری باشد ولی ابتدای امر باید يك مساعدتی بشود که مردم بطرف این معامله بیایند اگر مسئله اجباری الان پیش بیاید همه مردم ملکیشان منززل خواهد شد زیرا شاید نمیتواند از تأدیه آن مقداری که معین میشود بر آید. از طرف دیگر این وضع مالیاتی را که برای آنها قرار گذاشته اند این در حقیقت يك حال اجباری است برای این که این صدی هفتاد و صدی هشتاد را که از او میگیرند ما گفته ایم که صدی پنجاه بشود و اگر میخواهید مساعدت با این اشخاص بشود عجلتاً آن تخفیف تا صدی پنجاه را قبول کنید و بگوئیم که اگر هم خریداری نکرده تا پنجسال، تا ده سال مطابق قانون میزنی دیگر مالیات شما را اضافه نخواهند کرد یعنی هر سال نمیآیند سر شما که به بینند چه عمل کرده است و آن را مالیاتش را بگیرند همان مقداری را که سال اول معین کرده اند مالیاتش را می گیرند و این يك تشویق و ترغیبی است برای اینکه مالکین در صدد آبادی املاکشان برآیند و البته از یکطرف در صدد آبادی ملک برمی آیند و از طرف دیگر در صدد این برمی آیند که هر چه زود تر بتوانند با این قیمت نازل بقیه مالیاتشان را خریداری کنند. این است که استدعا میکنم حضرت آقا هم مساعدت فرمایند که این ماده که تعیین میزان مالیات آنها است تصویب شود و بعد در مسئله خریداری که راجع به ماده بعد است آن مذاکره را میکنم، اگر بانظر آقایان مساعدتی شد ممکن است حال اجباری را با يك تسهیلاتی در ماده ذکر کنیم.

مدرس - آقا يك مرتبه دیگر پیشنهاد را بخوانند تا آقای فهیم الملك ملتفت بشوند. من کی ملک را گفتم بخرند؟

مخبر - پس اجباری چه بود ؟
(پیشنهاد آقای مدرس مجدداً بشرح سابق قرائت شد)
مدرس - پیشنهاد میکنم پنجسال بشود .
رئیس - سه سال تبدیل به پنجسال میشود . رأی
میگیریم آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند
قیام فرمایند .

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد پیشنهاد آقای مدرس
(این نوع خوانده شد)

تبصره ۱ - بطریق ذیل نوشته شود ،
خالصجات انتقالی که در سه سال اخیره مسلوب المنفعه
بوده اند مشمول مواد قانون مالیات اربابی خواهند بود
تبصره ۲ در موقع خریداری اضافه مالیات خالصگی
قیمت جنس مالیاتی نرخ متوسطه سه سال اخیر است
رئیس - آقای مدرس

مدرس - توضیح این تبصره ها همان توضیحاتی است
که دادم در تبصره اول مدت مسلوب المنفعه ماندن را
سه سال معین شده و در قسمت تبصره دوم هم مقصود
این است که در موقع خریداری اضافه مالیات نرخ
خریداری نرخ متوسطه سه سال اخیر است و آرا میزان
قرار میدهند و تومانی پنجتومان خریداری میکنند

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - این تبصره هائی که آقای مدرس
پیشنهاد کردند در واقع تبصره هائی است که در خود ماده هم
هست منتها يك تغییرى داده اند و بنده خیال می کنم
چون پیشنهاد ایشان قابل توجه شد این تبصره ها هم به
کمیسیون بیاید و آقای مخبر هم اگر موافقت کنند که به
کمیسیون بیاید بهتر است

مخبر - تبصره اول که قبول شد آقای ارباب کیخسرو
پیشنهاد کردند و قبول کردند

رئیس - رأی گرفته میشود بتبصره دوم آقایانیکه قابل

نحت مذاقه است این تبصره با تبصره اولی آقای موقر
بکمیسیون فرستاده شود که در ضمن ماده اول اصلاح
کردد و در این ماده نمی شود

رئیس - پیشنهاد آقای مدرس

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم بعنوان تبصره نوشته شود :

هرگاه در موضوع ماده فوق در سنوات اخیره مالیات
خالصگی که دولت دریافت میکرده از صدی پنجاه عایدی
مالکانه علاوه باشد صدی پنجاه تنزل داده خواهد شد
و بر طبق ماده فوق رفتار میشود

رئیس - آقای مدرس

مدرس - گمان میکنم همه آقایان متذکر باشند که
مقصود چه چیز است چون آن پیشنهادی که بنده کردم
يك اطلاقى داشت حالا مطابق این پیشنهاد اطلاق رافع
کردیم و برش گرداندیم بيك صورت معتدلی

مخبر - بنده این پیشنهاد را عیناً قبول میکنم چون همان
نظری است که کمیسیون هم داشت

رئیس - پیشنهاد آقای عمادی

(بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم که تبصره اول به ترتیب ذیل
اصلاح شود :

تبصره اول - خالصجات انتقالی که در سنوات
اخیره مسلوب المنفعه بوده اند و از حال مالک
آن مخارجاتی بنماید و او را قابل استفاده نماید در آتیه
دولت از او مالیات اربابی مطالبه نماید

رئیس - آقای عمادی

عمادی - عرض میشود . مقصود بنده از این پیشنهاد
این است که اینجا مطلقاً دارد که مسلوب المنفعه بودن
مشمول مواد قانون مالیات املاک اربابی است . بنده
خواستم اضافه کنم که بعد از آنکه مالک همچو ملکی او
را تعمیر کرد و قابل استفاده شد با قید استفاده قانونی

که در بیستم دي ماه ۱۳۰۴ وضع شده از این املاک
پنجسال مالیات نگیرند و بعد مالیات املاک اربابی مطالبه
نمایند برای رفع ابهام این پیشنهاد را کردم

مخبر - بنده گمان میکنم پیشنهاد آقای عمادی نامین
شده باشد زیرا که اینجا نوشته شده است مشمول مواد
قانون املاک اربابی میشود و از مواد آن قانون یکی هم
این است که اگر املاک مسلوب المنفعه را آباد کنند
تا پنجسال مالیات گرفته نمیشود در اینصورت مطلب نامین
است و گویا دیگر محتاج نباشد .

عمادی - استرداد میکنم

رئیس - پیشنهاد آقای فرمند

(این طور خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم در تبصره دومی ماده ۳ اضافه
شود نك عایدات خالص الی آخر .

رئیس - آقای فرمند

فرمند - بنده تصور میکنم که در تبصره مقصود
این است که عایدات خالص بعد از وضع مخارج باشد
لهذا این جا لازم است که عایدات خالص هم اضافه شود
مخبر - مقصود همین است . عایدات خالص است .

رئیس - پیشنهاد دیگر آقای فرمند .

(بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که در تبصره يك ماده ۳ در
آخرش اضافه شود ، و بملکیت قطعی شناخته خواهد
شد .

رئیس - آقای فرمند

فرمند - مقصود از این تبصره آنچه که بنظر من
میرسد این است که خالصجات انتقالی که مسلوب المنفعه
میباند مالیاتشان (مالیات که ندارند که بپردازند) آنها
را به جنبه ملك خصوصى دولت خواهد شناخت
میخواستم در این جا خوب تشریح شود تا این که
در آتیه اسباب اشکال نشود و برای اشخاصی که بتعمیر

املاك مسلوب المنفعه مبادرت میکنند اشکالی نباشد که در آتیه پس از آن که آباد شد ممکن است مشمول ماده ۴ شوند. این پیشنهاد را بنده تقدیم کردم که تکلیف آنها قطعی شود و مبادرت به آبادی این املاک میکنند.

مخبر - نظر آقای فرمند تأمین شده است زیرا که این قانون برای املاکی است که بموجب ماده اول خالصجات انتقالی شناخته میشوند پس دیگر محتاج به تشریح نیست و اگر این را استثناء بکنیم مثل این است سایر املاکی که آباد هستند مشمول این قسمت نیستند تمام این املاکی که این جا نوشته شده است خواه مسلوب - المنفعه و خواه غیر مسلوب المنفعه تمام ملک مالکین است ... فرمند - در صورتی که تأمین شده بنده مسترد نمی دارم.

رئیس - پیشنهاد آقای دکتر طاهری (بنحو ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم بجای ماده ۳ خبر فعلی ماده ۳ خبر اول کمیسیون قوانین مالیه نوشته شود
رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - مقصود بنده از این پیشنهاد اینست که ماده سوم خبر اولی باز بهتر بود، برای وضعیت خالصجات انتقالی در این خبر دوم بطور ایهام نوشته شده است که هر کس شکایت داشته باشد از این مالیات آنوقت چنین و چنان میشود و از صورت قانونی این ماده خارج است و اسباب اشکال میشود. این بود که بنده پیشنهاد کردم که آن ماده سوم خبر سابق عوض این ماده نوشته شود ولی حالا که آقای مدرس يك پیشنهادی فرمودند و قابل توجه شد این است که دیگر نظر بنده تأمین شده و استرداد میکنم

رئیس - پیشنهاد آقای بامداد

(این نوع خوانده شد)
پیشنهاد میکنم جمله (باینمعنی تا شکایت داشته باشد) حذف شود.

رئیس - آقای بامداد

بامداد - عرض کنم که بنده این پیشنهاد را در موقعی داده بودم که پیشنهاد آقای مدرس تقدیم نشده بود. تمام نظر بنده از موافقت با این لایحه این است که عنوان ملك خالصگی از بین برود و تمام املاک يك نسق باشد و مالیات يك نسق و اشخاصی هم که متصرفند بدانند که حقیقه مالک هستند. اگر کسی شکایت نداشت مالیاتش به همان حال باقی خواهد ماند. این سبب میشود که این عنوان باز باقی میماند يك اشخاصی صدی چهل یا صدی سی میدهند و البته ملکشان هم عایدش بهمان اندازه هست و شکایت ندارند ولی ممکن است این ملک هم باز موضوعش منتهی شود به این ملکهای که الان شکایت دارند و بگویند که من نمیتوانم صدی سی را بدهم باز دو مرتبه يك گرفتاری برای مالیه و مردم پیدا میشود. این است که بنده عرض میکنم که این اگر و اینها را باید بطور کلی برداشت و بطور کلی صاحبان املاک خالصجات انتقالی را مکلف کرد که آنچه که سهم دولت است بخرند و مالیه هم مکلف است که بفروشد و چون پیشنهاد آقای مدرس همین معنی است این است که بنده استرداد میکنم و اینکه يك قدری هم عرض کردم برای این بود که نقطه نظر هم واضح شود.

مخبر - این پیشنهاد هائی را که بنده ملاحظه کردم همه در روی يك زمینه است چون این نظر ها در پیشنهاد آقای مدرس تأمین شده است و باید این دو ماده را تغییر داد استدعا میکنم این دو ماده را با پیشنهادات ارجاع کنید به کمیسیون تا در آنجا مذاکره شود و فعلا در ماده پنجم مذاکره بعمل آید
دادگر - بنده مخالفم.

رئیس - مخبر میتواند این نقاضا را بکند
دادگر - اجازه میفرمائید؟
رئیس - بفرمائید.

دادگر - بالاخره رفتن پیشنهاد ها به کمیسیون قبل از اینکه عقیده و نظر مجلس معلوم شود کار عبثی است بنظر بنده باید پیشنهاد ها خوانده شود و توضیح داده شود که کمیسیون در آتیه طوری این ماده را تنظیم کند که دو مرتبه مواجه با پیشنهاد های مختلف نشود بنده از آقای مخبر تقاضا میکنم که بگذارند پیشنهاد ها خوانده شود و در او بحث شود آنوقت ارجاع شود بکمیسیون

رئیس - این حقی است که آقای مخبر دارند

مخبر - خود بنده استدعا میکنم بخوانند
رئیس - پیشنهاد آقای مرآت اسفندیاری

(بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم تبصره اول ماده ۳ حذف شود
رئیس - آقای اسفندیاری

مرآت اسفندیاری - بنده تصور میکنم این تبصره تمامش ضرر برای دولت است و جز تولید زحمت در این تبصره چیزی نیست از این جهت بنده پیشنهاد حذفش را کردم
رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - این تبصره بنظر بنده خیلی مفید است برای اینکه املاکی که مسلوب المنفعه هستند چه ضرر دارد که يك اشخاصی بروند و آن املاک را آباد کنند و بعد از پنجسال يك مالیات اربابی بدهند؟ الان بدون اینکه دولت يك فائده ببرد این املاک مانده است و گمان میکنم این نظر حضرتعالی مورد ندارد خوب است حضرتعالی هم موافقت بفرمائید.

رئیس - رأی میگیریم به این پیشنهاد آقایانی که

قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(چند نفری قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای دهستانی (بمضمون ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم در ماده سوم به آخر تبصره ۲ اضافه شود: و مقصود از عایدات خالص عوائدی است که پس از وضع بذر و خرج قنائی و بنائی و حقوق مباشر به مالک عائد میگردد.

رئیس - آقای دهستانی

دهستانی - عرض کنم در این لایحه بقدری حلاجی میشود که بنده میترسم اصلا از کمیسیون دیگر برنگردد اگر آقایان اجازه بدهند يك مختصری هم بنده عرض کنم که حالا که ماده به کمیسیون میرود نظریات همه معلوم باشد. آقای مدرس يك فرمایشاتی فرمودند که این املاک را بشرط داده اند و حالا اگر به آن شرط عمل نمیکنند املاک را واگذار کنند یا اینکه يك اصولی را قرار می دهیم که بیابند آن اضافه مالیات را بعد از وضع مالیات اربابی تومانی پنج تومان تعبیر کنند. آقایان باید تصدیق بفرمایند که این املاکی را که دولت به مردم داده است با يك جزء جمع معینی داده است و حالا هیچ دلیل ندارد که عایدی مسلم خودش را که تومانی ده تومان قیمت دارد بیابند تومانی پنج تومان بدهند. آقایان باید تصدیق بفرمایند که اگر ما بخواهیم شش دانگ ملک خالصه انتقالی را سه دانگش را هم بگوئیم مال مالکی که متصرف است و سه دانگش را هم از برای دولت قائل شویم آن وقت بیائیم تومانی پنج تومان قرار بگذاریم یعنی از سه دانگ هم يك دانگ و نیم آنرا به مالک بدهیم قطعاً بدانید که دولت با این طرح یا لایحه موافقت نخواهد کرد. شما می خواهید يك کاری بکنید که اسباب آسایش مردم بشود و از مضیق و فشار بکه دارند مستخلص شوند ولی دلیل ندارد که یکصد خرواری را که دولت همساله میگیرد این صد خروار را پنجسال بیاید بگیرد این ممکن نمیشود و بیشرقت نمیکند. این پیشنهاد

قانون

اجازه مصرف ده هزار تومان برای مخارج طبع و حق الزحمه ترجمه قوانین و تهیه و طبع لایحه قانون مدنی مصوب لیل ۸ اسفند ماه ۱۳۰۶ شمسی

ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است مبلغ ده هزار تومان از محل عایدات موجوده نهاد نشده سنه ۱۳۰۶ برای مخارج طبع و حق الزحمه ترجمه قوانین لازمه و حق الزحمه تهیه و طبع لایحه قانون مدنی مطابق تشخیص و درخواست وزیر عدلیه مصرف نماید

این قانون که مشتمل بر يك ماده است در جلسه لیله هشتم اسفند ماه یکهزار و سبصد و شش شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید

رئیس مجلس شورای ملی : حسین پیر نیا

به کمیسیون میرود ولی آقا باید تصدیق فرمایند که دولت تا این درجه حاضر نخواهد شد بعضی از نمایندگان (با همهمه) - نشود (صدای زنگ رئیس)

دهستان - اجازه فرمائید . و اما راجع به پیشنهاد خود بنده . عرض کنم که در اینجا در لایحه عایدات خالص را درست معین نکرده اند و با این حال مأمورین دولت يك جزر و مدی به این مسئله خواهند داد ، مالك ميگويد خرج كدخدا هم جزء خرج است . ولی خرج قنات و فلان را شاید مأمور دولت قبول نکند پس بهتر این است که در این تبصره توضیح داده شود که عایدات خالص بعد از وضع چه خرجی است . بنده پیشنهادی که تقدیم کرده ام این است که عایدات خالص بعد از وضع خرج بذر و خرج بنائی و خرج قنات و حقوق مباشر است و بعد از وضع اینها هر چه باقی میماند عایدات خالص است .

رئیس - آقاى مخبر ؟

مخبر - آقاى دهستانی در توضیحات اولیه زمینه را برای پیشنهاد خود شان حاضر کرده اند حالا مجلس رأى خواهد داد .

رئیس - رای میگیریم . آقاى انیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عده کمی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد . پیشنهاد آقاى دادگر (بنحو ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم قسمت اولی ماده ۳ این طور نوشته شود حد اکثر مالیات را در املاك خالصه انتقالی نصف عوائد خالص مالکانه میتوان فرض و بطریق ذیل عمل نمود :

که از هر يك از مالکین املاك مزبور که از زیادی

مالیات فعلی ملك خود شکایت داشته باشد

رئیس - آقاى دادگر

دادگر - عرض کنم که . خاطر آقایان مطلع است که غالباً از عبارات ما در کارهای خوب بهانه جوئی میشود و در کارها اشکال تراشی میکنند و بطرف اشکال میرود این عباراتی را که ما در این جا نوشته ایم که : حد اکثر مالیات در املاك خالصه انتقالی نصف عوائد خالص مالکانه است ممکن است اینطور تلقی شود و آن کسی که در این کار نظارت میکند بگوید که صدی پنجاه قدر مسلم است و فرض مسلمی است و حال آنکه این فقط حد اعلاى عایدی است و نظر کمیسیون در این بوده است که این را میتوان مقیاس فرض نمود و این را ملاك قرار دهند ، اگر بالاست تا این حد پائین بیاورند و اگر پائین تر است همان مقداری که هست گرفته شود و اگر این مسئله را جنبه فرضیش را فکر نکنیم و بطور قطع بگوئیم ممکن است در آنیه برای کسانی که دچار در اینکار هستند اسباب زحمت ایجاد کند . پس در آن پیشنهاد آقای مدرس که طرف توجه واقع شد بنده پیشنهاد میکنم که در پیشنهاد آقا در مقدمه اش اینطور نوشته شود که : عنوان صدی پنجاه را فرض کنند نه اینکه يك اصلی باشد و در يك موردی بیایند آنرا ملاك قطعی قرار دهند .

مخبر - این اصلاح عبارتی را که آقای دادگر فرمودند در کمیسیون در نظر گرفته خواهد شد و حالا که در پیشنهاد خودشان توضیح دادند بطور قطع نمنا میکنم همانطور که تقاضا کردم ماده یا پیشنهادات بکمیسیون مراجعه شود .

بعضی از نمایندگان - ختم جلسه

رئیس - جلسه ختم میشود ماده هم بکمیسیون مراجعه میشود .

(مجلس شش ساعت و نیم از شب گذشته ختم شد)